



سینه فراسیون



قبل از قانون و بعد از قانون

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موضوع تحقیق و تدوین و هدف این سلسله مقالات مطالعه در حکمت تشریح ازدواج و طلاق و مقایسه و بررسی وضع آن قبل از تصویب و اجرای قانون حمایت خانواده و بعد از آن است.

بدیهی است چون طلاق فسخ و انحلال نکاح یا به عبارت دیگر گسیختن پیمان زناشوئی است و بدون ازدواج طلاق مسرود پیدا نمی‌کند، خوبست قبلاً چگونگی ازدواج که علت پیدایش طلاق می‌گردد شناخته شود و ضمناً این نکته نیز ثابت گردد که قانون اسلام در مورد نکاح و طلاق از مترقی‌ترین قوانین ملل

و مذاهب است و بهتر و بیشتر از قوانین ادیان دیگر از حقوق نسوان حمایت می‌کند و اسلام از اولین قدم امیال و نیازمندیهای افراد را بحساب آورده و راه مشروع و معقول مصرف و عمل را در حصار امنیت و آرامش و در حریم عفت و عصمت نشان داده است.

از مطالعه در احوال ملل و اقوام مختلفه این نتیجه بدست می‌آید که پس از دوره پراکندگی افراد انسانی و پیدایش مجتمعات کوچک و محدود اولاد آدم و حوا مدتها علقه زوجیت نداشته و رابطه زن و مرد بدون ضابطه و قید و شرط بوده بطوریکه حتی آنچه را که بعضی از حیوانات رعایت میکرده‌اند. اشرف مخلوقات رعایت نمیکرده یعنی انسان وحشی نکاح نداشته و رابطه مرد و زن مخالطه یعنی از دیده‌تسدین و تمدن بصورت يك فحشاء دائم و مستمر و فارغ از مفاهیم عفت و اخلاق و فاقد محدودیت و ممنوعیت بوده و زن خواه و ناخواه بعلت نداشتن پنجه ستیز و پای‌گریز که معلول چگونگی ساختمان و فعل و انفعالات شیمیائی بدن و بارداری و مادری است در تنازع بقا و پیچ و خم زندگی تسلیم مرد بوده و مردان بعلت آنکه زورمندتر از لحاظ جسمی و آزادتر از لحاظ جنسی بوده‌اند از ضعف زن بسیار سوء استفاده کرده‌اند که یکی از آنها ازدواج با محارم بود.

با مطالعه سرگذشت بشر می‌بینیم که سیر تطور نکاح تابع تحولات تاریخ نبوده بلکه پیر و اثرات محیط و مذهب و احتیاجات و معتقدات و مدنیت‌های مختلفه شده است و هم‌اکنون ملل مختلفه‌اعم از متمدن و غیر متمدن در موضوع زناشوئی آداب و مقرراتی دارند که گاهی يك ملت عقب مانده بایک ملت پیشرفته همدوش است و گاهی يك ملت وحشی در امر زناشوئی از اصول متبع يك ملت متمدن بالاتر و عالی‌تر است بنابراین نمی‌توان آداب و رسوم ازدواج قوم یا ملتی را در مسیر قضاوت درباره طلاق آن قوم یا

ملت نادیده گرفت و نشناخته گذاشت، مثلاً در جستجوی علت پیش‌بینی نشدن طلاق در دیانت مسیح باید این نکته را در نظر گرفت که به نکاح هم در مذهب مسیح اظهار علاقه و تسوجهی نشده است بلکه در مکتب کلیسا تجرد را بر تأهل ترجیح داده زیرا دیانت مسیحی صرفاً از لحاظ اخلاقی بمطالب و مسائل نگریسته و به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی نپرداخته است.

پس قبل از ورود در بحث طلاق بطور اختصار چگونگی ازدواج را از زوایای مختلف می‌نگریم.

ازدواج را از نظر تاریخ طبیعی میتوان به اتحاد کم و بیش طولانی یک یا چند مرد یا یک یا چند زن دانست که اجتماع باقتضای احتیاجات و شرائط زمان و مکان چگونگی آنرا تصویب کرده و تا پس از تولد و تربیت موالید آنها طول میکشد. ازدواج مؤثرترین وسیله آسایش و رفاه انسان است و بهترین موردی است که یک اجتماع دو فردی برای یک عمر از یکدیگر کمک می‌گیرند و مناسب‌ترین و سالمترین ضامن بقای نسل و دوام و سلامت زوجین است.

احتراز از آن سیر طبیعی حیات را در مراحل اولیه قطع و تمتع از مواهب خلقت را بصورت ناپسندیده‌ای ممنوع میدارد و انسان را در مقابل نیروی عجیب غرائز طبیعی بسرعت تسلیم انحرافات زیان‌بخش و محکوم به تحمل عواقب آن میسازد. تشکیل عائله و تولید مثل و تربیت فرزند بخودی خود بیدارکننده احساسات و عواطف عالیه انسانی است که روح محبت عمومی را تقویت و علاقه به امانیت و مصالح اجتماع را بیشتر میکند و برائز علاقه‌ای که به حفظ و تأمین مصالح خانواده ایجاد میکند محیطی گرم و امن و مهذب و مرفه میسازد و این خود از عوامل مؤثره- ایست که در صلح و عدالت اجتماعی نقش عمده‌ای برعهده دارد.

از نظر حقوقی و قانونی ازدواج قراردادی است که بین يك یا چند مرد و يك یا چند زن برای تشکیل خانواده منعقد میگردد.

بعضی از علماء منشاء ازدواج را در حیوانات جستجو کرده‌اند، و مطالعاتی که شده نشان میدهد که در پرندگان و پستانداران عالی‌تر و کامل‌تر اتحاد و اجتماع کم و بیش دائمی وجود دارد مخصوصاً میمون‌هایی که بانسان بیشتر شباهت دارند بدون تعدد و تنوع زوجات همسری دائم اختیار می‌کنند و این وحدت و همسری کم‌و بیش حیوانات ازدواج نیست زیرا حیوانات جامعه‌ای ندارند که آن را برسمیت بشناسد. در ازدواج تصویب اجتماع یعنی رسوم و عادات آن دسته‌ای که در محیطی زندگی می‌کنند الزام‌آور است. رسوم و عادات هر نوع ازدواجی مولود وضع محلی است و منشاء این رسوم را باید در عهد تحقیق جستجو کرد.

اولین وظیفه ازدواج تنظیم روابط بین مرد و زن است و در اغلب اجتماعات وحدت دائمی بین يك یا چند مرد و زن را برای تأمین موقعیت و وضع تربیت اطفال لازم میدانند.

از چگونگی ازدواج در ماقبل تاریخ اطلاعی در دست نیست ولی در ادوار تاریخ بعضی از انواع آن در تمام اجتماعات دیده شده است.

در اینکه آیا ازدواج‌های مشترك و دسته‌جمعی وجود داشته بین زیست‌شناسان و جامعه‌شناسان اختلاف نظر است. موارد نادری از ازدواج‌های دسته‌جمعی در بین پولینزیها (Polynesians) دیده شده که چندین برادر چندین خواهر را به زنی گرفته‌اند. حدس و فرض دانشمندان در علت و منشاء و تاریخ این نوع ازدواجها زیاد به نتیجه نرسیده و اگر این نوع ازدواج استثنائی را کنار بگذاریم ازدواج برسه نوع کلی است: ازدواج يك زن و يك مرد، يك مرد با چند زن و يك زن با چند

مرد.

ازدواج بوسیله اسارت یا خرید در میان قبایل غارتگر و جنگجو عادی است و در حقیقت بعنوان اعتبار و افتخار اجتماعی و نظامی باسارت بردن را در بعضی قبائل از پسندیده‌ترین نوع ازدواج می‌شمردند و لی امروز شاید نتوان اجتماعی یافت که زنان آنها فقط زنهای اسیر باشند.

مرد غارتشین با احتمال قوی همسر خود را بی‌رحمانه با زور و قدرت از همسایه می‌ربوده و با نیروی خود نگاه میداشته و مسلماً روابط مرد غارتشین و همسرش تحت قاعده و قانونی نبوده است.

بعداً که وضع قبایل توسعه یافت در اسارت زن نیز تحولی پیدا شده دزدی و باسارت بردن زنان قبایل دیگر جای ربودن زن یا دختر همسایه را گرفت و بصورت حمله دسته‌جمعی برای ربودن اقوام عروس توسعه یافت باین صورت وقتی دختری را زنی باسارت میرفت رفقای مرد رباینده نیز اقوام عروس را سرکوبی میکردند، حتی در اواخر قرن بیستم نیز در جشن‌های ازدواج در جنوب روسیه مهمانان و رفقای داماد با رفقای عروس به يك جنگ ساختگی و مزاح‌آمیز می‌پرداختند و بعد از آن مراسم دیگر شروع میشد.

حلقه‌ای که امروز بدست عروس می‌کنند در قدیم بصورت بند و ریسمانی بود که دختر را با آن می‌بستند و امروز این حلقه آبرو و حیثیتی دارد.

در قدیم این طناب را بیای عروس بالا یا پایین زانومی‌بستند که مانع فرارش باشد و در افریقا این حلقه به بینی زده میشد و منظور اطمینان داماد بوده است. در ممالک غربی عادت شد که حلقه برای زوجین باشد و بعلافت دوستی مبادله‌شود. در مرحله پیشرفته‌تری از فرهنگ و تمدن معمول‌تر از اسیر کردن زن

خرید زن بوده است که اغلب در اجتماعات بدوی همراه توسعه بردگی و مالکیت اشخاص بوده و این عمل بخصوص در اشاعه تعدد زوجات و خان خانی اثر داشت و هنوز هم در بعضی از اجتماعات خریداری زن وجود دارد.

مطالعات جامعه‌شناسی درباره ازدواج و طلاق نشان می‌دهد که تفاوت مسلک و اختلاف عقاید مذهبی مشکلات زیادی ایجاد میکند و نسبت طلاق در این قبیل ازدواجها بالا است.

ب. تفاوت‌های مذهبی

هم اکنون تغییرپذیری وسیع چگونگی زندگی مردم که منشاء آن دنیای غرب است تفاوت‌هایی که در عقاید فلسفی مذاهب اصلی وجود دارد عوامل ایجاد آن قبیل ازدواج‌هایی میشوند که مبتنی بطلاق میگردد.

عقاید اقوام مختلف در نکاح و زنا متفاوت است کما اینکه در قوم مسلمان زناشویی پسر عمو و دختر عمو را نکاح میدانند ولی اقوام دیگری رابطه جنسی آنها را بعنوان ازدواج نمی‌پذیرند و زنا می‌نامند پس ازدواج يك امر قراردادی و تشریحی است که در میان ملل و اقوام مختلف مقررات گوناگون دارد و محرمیت و نامحرمیت يك مسئله اعتباری است و آنچه در نزد قومی نامحرم شناخته میشود برای اقوام دیگر الزامی نیست و ممکن است برعکس دیگران محرم بشناسند.

تعدد شوهران بین اعراب جاهلیت نیز مرسوم بود و آنرا ازدواج (ضمد) می‌گفتند و در مورد شناسائی فرزندان بین شوهران هر کدام بیشتر به طفل شبیه بود برای پدر انتخاب میشدند و در قبیله آندامانت زن متعلق به تمام مردان خانواده و ارشد اطفال متعلق بارشد پدران بوده و بهمین ترتیب به نسبت سن تقسیم میشده‌اند. تعدد زوجات علل مختلفی دارد، گرمی آب و هوا نیز بآن کمک میکند منتسکیو در روح القوانین میگوید در اروپا پسر زیادتر از دختر است و برعکس در

تاریخچه آشنایی با مسئله زینبیه

آسیا و آفریقا دختر زیاده‌تر از پسر زائیده می‌شود بنابراین قانونی که تعدد زوجات را منع یا تجویز کرده از يك حيث مربوط به کمی و زیادی زن است و از لحاظی مربوط به چگونگی آب و هوای منطقه کما اینکه در نقطه سردسیر آسیا مثلاً ثبت چون پسر زیاده‌تر از دختر زائیده می‌شود يك زن می‌تواند چندین شوهر اختیار کند در سرزمین‌های جنوبی حرارت تناسلی زن و مرد زیاد است و در کشورهای گرمسیر دختران در سن هشت تا نه سالگی بالغ هستند و بعد از اینکه شوهر کردند بارور می‌شوند بطوریکه می‌توان گفت ازدواج و باروری پشت سرهم صورت می‌گیرد و بهمین علت در کشورهای گرمسیر زنها در بیست سالگی یعنی وقتی که میخواهند تازه عقل کافی پیداکنند طراوت خود را از دست داده‌اند و بهمین علت در کشورهای گرمسیر زنها بیشتر تحت تمکین مردها هستند و ادعاهای زنان غربی را ندارند زیرا بعلت از دست دادن طراوت و زیبایی کمتر می‌توانند در مردها نفوذ کنند در صورتیکه زنان اروپائی در اثر مختصات آب و هوا زیبایی خود را مدتی حفظ می‌کنند و در سنین وسط و بالا هم در مردان نفوذ دارند و در کشورهای معتدل چون زیبایی زنها بیشتر دوام دارد و دیرتر بعد بلوغ میرسند و هنگام ازدواج تا حدی تجربه دارند با شوهران خود تقریباً در يك سن پیر می‌شوند مردها بیش از يك زن نمی‌گیرند بنابراین تعدد زوجات و منع و جواز آن معلول مقتضیات و چگونگی آب و هوا هم هست و این نکته را نیز باید در نظر داشت که مذهب اسلام با محدود کردن به چهار زن دائمی در واقع امکانات قانونی مرد را محدود و کم کرده است زیرا آنوقت تعدد زوجات غیر از غریزه جنسی و تنوع طلبی علت اقتصادی و علت جنگی هم داشته و مسلمین در دوران خلفا زنان ترك و رومی را باسارت می‌بردند و هر يك دارای چند زن و چندین کنیز بودند. متوکل عباسی چهار هزار کنیز داشت

عبدالله طاهر هم چهارصد نفر برایش هدیه فرستاد، هارون الرشید دوهزار کنیز موسیقی‌دان جمع کرده بود، الحاکم بامرالله فاطمی خلیفه مصر قریب ده هزار و خواهرش هشت هزار کنیز داشت و وقتی صلاح‌الدین ایوبی مصر را تصرف کرد در عمارت سلطنتی دوازده هزار زن بود. بنابراین دین اسلام تعداد زوجه را محدود و کم کرده است.

و اینکه بعضی تعدد زنهای حضرت محمد پیغمبر اسلام را بطور مثال اسم می‌برند و بعنوان اینکه پیغمبر زنهای متعدد داشته چهارزن می‌گیرند و شهوت‌رانی خود را در لفافه پیروی از دین و تقلید از نظر مخفی می‌کنند چگونگی شرایط را در نظر ندارند، غافل از اینکه حضرت محمد در بیست و سه سالگی با خدیجه چهار ساله ازدواج کرد و بیست و هشت سال با وی زیست و سن مبارکش از پنجاه تجاوز نمود و در طول این مدت و در زمانیکه تعدد و کثرت ازدواج شایع و رایج بود بادیگری ازدواج نکرد و بعد از پنجاه سالگی در ظرف پنج سال با داشتن پنج زن که یکی از آنها عایشه جوان بود بیش از هشت زن و در طرف هفت سال نه زن گرفت و از خدیجه چندین پسر و دختر آورد و از ماریه قبطی که در حدود شصت سال داشت ابراهیم متولد شد ولی از سایرین که همه شایسته بارآوری بودند فرزندی بوجود نیامد بیست و هشت سال که گذشت و خدیجه بسرای دیگر شتافت سوده دختر زعمه را که بیوه بود و مال و جمالی هم نداشت گرفت سوده زن یکی از مسلمانان اولی بود که مشقت زیادی کشید و از دست کفار با اجازه پیغمبر با شوی خود به حبشه فرار کرد و پیغمبر بعد از مرگ شوهرش پیاس آن زحمات و مشقات او را بخانه خود آورد عایشه و حفصه نیز دختر ابوبکر و عمر بودند که پیغمبر بقصد همبستگی با آنها ازدواج کرد و همانطور دو دختر خود را به حضرت علی و

عثمان داد تا همه بهم پیوسته باشند و چگونگی این ازدواج‌ها بخوبی نشان میدهد که بمنظور جنسی و شهوترانی نبوده است زینب دختر خزیمه نیز زنی بود که شوهرش در جنگ بدر شهید شد زینب جوان نبود مال و منالی هم نداشت و بعد از قریب دو سال هم دار فانی را وداع گفت.

امسلمه قبلاً زن ابوسلمه بود، ابوسلمه در جنگ احد زخمی شد و پس از بهبودی مأمور جنگ با بنی‌اسد گشت و بعد از مراجعت از جراحات جنگ احد درگذشت پس از چهارماه پیغمبر امسلمه را بنحیث خود طلبید امسلمه بکثرت فرزند و پیری خود متعذر شد ولی محمد برای سرپرستی او را تزویج فرمود در صورتیکه اگر پیغمبر برای جمال زن میخواست از دخترهای مهاجر و انصار کسانی بهتر از امسلمه یافت میشد.

زینب زن مطلقه زید دختر عمه حضرت بود و تحت توجهات او تربیت شده بود قبل از ازدواج با زید پیغمبر او را می‌شناخت، زید غلام زرخرید خدیجه بود که پیغمبر آزادش کرد پیغمبر زینب را برای زید خواستگاری کرد، عبدالله برادرش موافق نبود که دختری از طبقه اشراف زوجه غلام زرخرید شود و لسی پیغمبر می‌خواست بمردم بفهماند که عرب بر عجم برتری ندارد و برتری کسی به کسی جز بتقوی ممکن نیست و برای رد این عادت و اندیشه حاضر شد دختر عمه را به زید بدهد و از مال خود مهر زینب را پرداخت ولی زینب سازش نکرد و کار بطلاق کشید.

با اشاره با آنچه گفتیم میخواهیم ثابت کنیم که اسلام در مورد تعدد زوجات و برده‌گیری باقتضای اوضاع و احوال و زمان و مکان نکات فراوانی را رعایت کرده و دائره وسیع و آزاد تعدد زوجه را با شرایطی که در مقام منع است به چهار زن

محدود کرده و در صدر اسلام حقوق و حدود زن بطوری تنظیم و تدوین و دائره تعدد زوجه بقدری کوچک شده که حقوق اکتسابی درطول تاریخ تمدن قابلیت مقایسه با آن را ندارد و در صدر اسلام نیز بانوان بيشماری قدرت شگفت انگیز زن را نشان دادند و با مردان همدوش و همقدم بودند.

تی برون مستشرق معروف فرانسوی سکینه خاتون دختر امام حسین را بانوی بانوان زمان خوانده میگویند خانه اش کعبه علمای و ادبا بود و شعرای نامی او را در محاکمات ادبی خویش حکم قرار میدادند.

شهره (فخر النساء) در قرن پنجم هجری در جامع بغداد تاریخ و ادبیات تدریس میکرد و بسیاری از بزرگان علم و معرفت در مجلس درس او حاضر میشدند. آنان که از نهضت بانوان در اروپا و امریکا باخبرند اساس تمدن اروپا را به کارهای مفید و گرانبهای نسوان پیوسته میدانند اگر در مقام صفات عالیه زن برآیند در صدر اسلام نمونه های فراوانی را در فعالیت های علمی و اجتماعی و ایراد خطابه و قیام و مقاومت و مسائل و امور خیریه خواهند یافت، اما مختصری از چگونگی ازدواج در ایران و اسلام:

در اسلام بقصد حمایت از زن و برای درمان بلا تکلیفی زنانی که اضافه بودند و ممکن بود بی شوهر بمانند و همچنین برای اینکه نیازمندی های خلاق و آنچه را که واقع میشود بطرز بهتر و در لباس نیکوتری در آورد تعدد زوجات و صیغه گرفتن را تجویز و تشریح کرد و راه فرار و رهائی از فساد و فحشای اجتماعی را با تجویز تعدد زوجات و نکاح منقطع باز گذاشت تا وقتی که تعداد زن در جامعه بیش از مرد باشد نسوان در محرومیت نمانند و از تشکیل عائله افتخار آمیز و سعادت سلامت و نعمت خانواده بی نصیب نگردند و فرزندان شان بدون تفاوت و تمایز

با سایر فرزندان در سیر اجتماع شرکت کنند و با مزایای مساوی باز آیند و بعید نیست همانطور که بعد از قرون متوالی مقاومت و مخالفت مکتب کلیسا با طلاق به تعدیل و تصویب تن داده میشود در جامعه امروز و آینده اروپا که تعداد زنان بعلت جنگ‌های متوالی بیش از مردان شده و میشود قانونی بگذرد که همه از ازدواج بهره‌مند باشند.

دنباله بحث در شماره آینده

لایحه پیشنهادی در خصوص...

وقتیکه شرائط زندگی گمانی ملتی خیلی آسان باشد، ترقی و پیشرفت برای آن مشکل میشود، رم بعد اعلای ترقی خود نائل نگردید مگر در موقعیکه بصورت ملتی فقیر در جنگ دائم بسر میبرد، همینکه دوره صلح و تمول مادی آن آغاز شد حکم زوال و فنای آن نیز در سر لوحه تاریخ به ثبت رسید. سوستا و لوبون